

پرسش ۲۳: روح القدس که در قرآن آمده است، کیست؟

السؤال/ ۲۳: ما هو روح القدس في القرآن، وعلى من تنزل، وما هي العلاقة بين فاطمة الزهراء وروح القدس؟

وائل سعيدة - صفر/ ۱۴۲۶ هـ. ق

روح القدس که در قرآن آمده است، کیست و بر چه کسی نازل می شود و میان او و حضرت فاطمه زهرا (ع) چه رابطه ای وجود دارد؟
وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الجواب موجود في المتشابهات، وأيضاً فاطمة (ع) وأبوها وبعثها وبنوها والأئمة والمهديون روح القدس الأعظم.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمان الرحيم، والحمد لله رب العالمين

پاسخ، در کتاب متشابهات موجود می باشد و همچنین به همراه فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندان، ائمه و مهدیون روح القدس اعظم هستند.

احمد الحسن

وهو كما يلي:

الجواب: روح القدس هو: روح الطهارة أو العصمة، فإذا أخلص العبد بنيته لله سبحانه وتعالى، وأراد وجه الله، أحبه الله ووكل الله به ملكاً يدخله في كل خير، ويخرجه من كل شر، ويسلك به إلى مكارم الأخلاق، ويكون الروح القدس واسطة لنقل العلم للإنسان الموكل به.

روح القدس همان روح پاکی و عصمت است. اگر بنده نیتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را دوست می‌دارد و ملکی را موکل او می‌کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شرّی خارج کند و او را به سوی مکارم اخلاق (والاثرین خصوصیات اخلاقی) سوق می‌دهد. روح القدس واسطه‌ی انتقال دانش به انسانی که موکلش است، می‌باشد.

وأرواح القدس كثيرة وليست واحداً، والذي مع عيسى (ع) ومع الأنبياء دون الذي مع محمد (ص) وعلي (ع) وفاطمة (ع) والأئمة (ع)، وهذا هو الروح القدس الأعظم لم ينزل إلا مع محمد (ص)، وانتقل بعد وفاته إلى علي (ع)، ثم إلى الأئمة (ع)، ثم بعدهم إلى المهديين الاثني عشر.

روح القدس‌ها متعددند و یکی نیستند؛ روح القدسی که با حضرت عیسی (ع) و انبیا بوده است با روح القدسی که با محمد (ص)، علی (ع) و فاطمه (ع) و ائمه (ع) است فرق می‌کند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است که فقط برای حضرت محمد (ص) نازل شد و پس از وفات او به علی (ع) منتقل شد و و پس از او به ائمه (ع) انتقال یافت و پس از ایشان به مهدیون دوازده‌گانه منتقل می‌شود.

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله تبارك وتعالى: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) ([115])، قال (ع): خلق من خلق الله عز وجل، أعظم من جبرائيل وميكائيل، كان مع رسول الله (ص) يخبره ويسدده وهو مع الأئمة من بعده) ([116]).

از ابوبصیر روایت شده است که گفت: از ابوعبد الله (ع) درباره‌ی این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است) ([117]). فرمود: «مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است و همراه حضرت

محمد(ص) بود و به او خبر می داد و راهنمایی می کرد و بعد از ایشان، همراه ائمه ی بعد از او می باشد».[118]

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عز وجل: (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي) ([119])، قال (ع): خلق أعظم من جبرائيل وميكائيل (ع)، كان مع رسول الله (ع) وهو مع الأئمة وهو من الملكوت) ([120]).

ابو بصیر می گوید: از ابو عبد الله(ع) درباره ی این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: (از تو درباره ی روح می پرسند. بگو: روح از امر پروردگارم است) ([121]). فرمود: «آفریده ای عظیم تر از جبرئیل و میکائیل (ع) که همراه رسول خدا(ص) بود و با ائمه (ع) می باشد و این روح از ملکوت است» ([122]).

وعن أبي حمزة، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن العلم أهو علم يتعلمه العالم من أفواه الرجال، أم في الكتاب عندكم تقرأونه فتعلمون منه؟ قال (ع): الأمر أعظم من ذلك وأوجب، أم سمعت قول الله عز وجل: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) ([123])، ثم قال: أي شيء يقول أصحابكم في هذه الآية؟ أيقرون أنه كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان؟ فقلت: لا أدري جعلت فداك ما يقولون، فقال لي (ع): بلى، قد كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان، حتى بعث الله تعالى الروح التي ذكر في الكتاب، فلما أوحاها إليه علم بها العلم والفهم، وهي الروح التي يعطها الله تعالى من شاء، فإذا أعطها عبداً علمه الفهم) ([124]).

از ابو حمزه روایت شده است که گفت: از ابو عبد الله(ع) درباره ی علم پرسیدم که آیا همان علمی است که عالم از دهان دانشمندان یاد می گیرد یا در کتابی نزد شما است که آن را می خوانید و یاد می گیرید؟ فرمود: «مسأله بزرگ تر از اینها است. این سخن خداوند متعال را شنیده ای که می فرماید: (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است) ([125]).

سپس فرمود: «نظر اصحاب شما درباره‌ی این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌کنند که پیامبر (ص) در وضعیتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است؟» گفتیم: فدایتان گردم، نمی‌دانم که آنها چه می‌گویند. حضرت (ع) به من فرمود: «آری، او (ص) در حالتی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان کدام است تا اینکه خداوند متعال این روح را که در قرآن ذکر شده است، فرستاد. پس زمانی که خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله‌ی این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می‌فرماید. اگر آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است» ([126]).

فرسول الله محمد (ص) لما نزل إلى هذا العالم الجسماني ليخوض الامتحان الثاني بعد الامتحان الأول في عالم الذر حجب بالجسم المادي، فلما أخلص لله سبحانه وتعالى إخلاصاً ما عرفت الأرض مثله، أحبه الله ووكل به الروح القدس الأعظم، فكان الفائز بالسباق في هذا العالم كما كان الفائز بالسباق في الامتحان الأول في عالم الذر.

أحمد الحسن

بنابراین رسول خدا حضرت محمد (ص) هنگامی که به این عالم جسمانی آمد تا بعد از امتحان اول در عالم ذر وارد امتحان دوم در این عالم که با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی که برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نشناخته بود، اخلاص ورزید، خداوند او را به دوست برگزید و روح القدس اعظم را وکیل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.

احمد الحسن



- [115] - الشورى: 52.
- [116] - بصائر الدرجات: ص 475، ينابيع المعاجز: ص 70.
- [117] - شورى: 52.
- [118] - بصائر الدرجات: ص 475 ؛ ينابيع المعاجز: ص 70.
- [119] - الإسراء: 85.
- [120] - الكافي: ج 1 ص 273.
- [121] - إسراء: 85.
- [122] - كافي: ج 1 ص 273.
- [123] - الشورى: 52.
- [124] - الكافي: ج 1 ص 274.
- [125] - شورى: 52.
- [126] - كافي: ج 1 ص 274.